

۱
سلسله یادداشت‌های قرآنی

اجتماع و افتراق قرآن و عترت در:

نگاهی متفاوت به حدیث ثقلین

حمزه عندلیب

اجتماع و افتراق در قرآن و عترت در

نگاهی متفاوت به حدیث ثقلین

حمزه ی عنذلیب

انتشارات دلیل

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

شابک: ۸ - ۰۷ - ۷۴۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

نشانی: مشهد، بلوار امام خمینی، امام خمینی ۸۶، پلاک ۵۵

تلفن و نمابر: ۸۵۹۳۳۶۲ - ۵۱۱

مراکز پخش:

۱) قم، انتهای خیابان صفائیه، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹،

طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱

۲) تهران، خ انقلاب، فخرآزی، پلاک ۶۱، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱

۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،

مجمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳ - ۵

سرشناسه: عنذلیب، حمزه

عنوان قراردادی: احادیث خاص (ثقلین)، فارسی، شرح

عنوان و نام پدیدآور: اجتماع و افتراق در قرآن و عترت در، نگاهی متفاوت به حدیث

ثقلین / حمزه ی عنذلیب

مشخصات نشر: قم: دلیل، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

فروست: سلسله یادداشت‌های قرآنی؛ ۱.

شابک: 978 - 964 - 7490 - 07 - 8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: احادیث خاص (ثقلین) -- نقد و تفسیر

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ع ۷۰۴۲۲ ث / ۱۴۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۹۲۸۷۶



انتشارات دلیل

فهرست مطالب

۹	سخنی با شما
۱۵	پیشگفتار
۱۶	یک نکته
۱۸	چکیده

۱ - جبهه‌ی تحریف لفظی در حدیث ثقلین / ۲۱

۲۱	نخستین اقدام در جبهه‌ی تحریف لفظی
۲۳	توضیح
۲۵	دومین اقدام در جبهه‌ی تحریف لفظی
۲۷	بر اساس چه سیاستی این دستور صادر شد؟
۳۴	تأثیر تحریف مصداق عترت، در تنزل مصداق کتاب الله
۳۶	سه موضوع اصلی در آئین‌نامه‌ی ثقلین
۳۹	چکیده

۲ - جبهه‌ی تحریف معنوی در حدیث ثقلین / ۴۱

آرای صاحب نظران و قرآن پژوهان	۴۲
تحریف در مصداق «کتاب الله»	۴۶
مصداق حقیقی «کتاب الله»	۵۴
شواهدی از کلام خدا با گفتار معصومین (علیهم السلام)	۵۷
یک تنزل	۶۰
حقیقت کتاب‌های آسمانی دیگر	۶۲
چکیده	۶۵

۳ - کج فهمی و یا تحریف در جمله‌ی «لن یفترقا» / ۶۷

نظریه‌ی ۱ و ۲ و ۳	۶۷
نظریه‌ی ۴ و ۵ و ۶	۷۱
حجّت طولی قرآن و عترت	۷۲
شواهدی از کلام پیشوایان معصوم (علیهم السلام)	۷۳
توضیح بیشتر	۷۷
حجّت موازی و عرضی قرآن و عترت	۷۸
نظریه‌ی ۷	۷۹
نظریه‌ی ۸	۸۰
نظریه‌ی ۹	۸۱
نظریه‌ی ۱۰	۸۲
نظریه‌ی ۱۱	۸۳

نظریه‌ی ۱۲.....	۸۳
نظریه‌ی ۱۳ و ۱۴.....	۸۵
نظریه‌ی ۱۵.....	۸۵
مراد واقعی از جمله‌ی «لن یفترقا».....	۸۷
مروری دیگر بر فرمایش پیامبر خدا ﷺ.....	۹۶
تجزیه، ترکیب، و تحلیل فرمایش پیامبر خدا ﷺ.....	۹۷
توضیح بیشتر با ذکر چند مثال.....	۱۰۳
سخن پایانی.....	۱۰۵
چکیده.....	۱۰۹

سخنی با شما:

خواننده‌ی عزیز! پیش از ورود به مباحث این کتاب، به نکات زیر توجه فرمایید:

قرآن مکتوبی که امروز در دست ماست، و همه‌ی ما آن را بوسیده و با احترام تلاوتش کرده و به حول و قوه‌ی الهی به آن عمل می‌کنیم، در کلام معصومین علیهم‌السلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. سفارش‌هایی که از سوی آن بزرگواران، در موارد مختلف، در رابطه با قرآن به مؤمنان شده است، در کتب روایی ما بسیار به چشم می‌خورد. علاوه بر این سفارش‌ها، ویژگی‌های زیادی نیز برای قرآن ذکر شده است.

این ویژگی‌ها و تأکیدات و سفارش‌ها، حاکی از آن است که قرآن مکتوبی که در دست ماست، و ما امروز آن را می‌خوانیم و به دستوراتش عمل می‌کنیم، نماد مکتوب وحی خداوند بوده و شأنی بسیار بالا و والا دارد، و همه‌ی ما، در قبال آن، وظایف بسیار سنگین و خطیری داریم. از جمله‌ی این سفارشات و ویژگی‌ها و وظایف، موارد زیر را می‌توان نام برد:

● سفارش به خواندن قرآن:

قرآن عهد خدا نزد بندگان اوست. و سزاوار است که هریک از شما در این عهد، نظر افکنده و در هر شبانه روز پنجاه آیه از آن را بخواند.

● ثواب خواندن قرآن:

برای هر یک از سوره‌ها و آیات قرآن، در کلام معصومین علیهم‌السلام ثوابهایی ذکر شده است. بدیهی است که این ثوابها، بر خواندن همین قرآن، و آیات همین کتاب مقدس و مکتوبی مترتب است که در دست ماست.

● عظمت خانه‌هایی که در آنها قرآن تلاوت می‌شود:

خانه‌هایی که در آنها قرآن خوانده می‌شود، از نگاه اهل آسمان، چون ستاره می‌درخشد. و این ویژگی، مربوط به همین قرآن مکتوب است.

● خواندن سوره‌ی قرآن در نماز:

در نماز، واجب است علاوه بر سوره‌ی حمد، سوره‌ی دیگری از قرآن نیز خوانده شود. و با نخواندن این دو سوره، نماز باطل خواهد بود. سوره‌ای که در نماز موظف به خواندن آن هستیم، چیزی نیست جز سوره‌های موجود در همین قرآن مکتوبی که در دست ماست.

● فضیلت آموزش قرآن:

در روایاتی، از فضیلت تعلیم قرآن یاد شده. و از والدینی که به

فرزندشان قرآن می‌آموزند، با اعزاز نام برده شده و ثواب آنان نیز بیان شده است. همچنین احکامی در باره‌ی معلّم قرآن و اجرت معلّم و ... در همین روایات مذکور است. و این مسائل، ممکن نیست مگر با آموزش همین قرآن موجود در دست ما.

● شفای بیماری، با آیات قرآن:

در کلام معصومین (علیهم‌السلام)، از استشفاء به قرآن و چگونگی به کار بستن آیات آن برای رسیدن به این هدف سخن گفته شده. و این، ممکن نیست مگر با استفاده از آیات همین قرآن مکتوبی که در دست ماست.

● منع تفسیر به رأی:

در بسیاری از روایات، تفسیر به رأی قرآن ممنوع گردیده، و بر این عمل، وعده‌ی عذاب الهی داده شده، و بر رجوع به خاندان عصمت (علیهم‌السلام) برای دریافت تفسیر قرآن، تأکید شده است. این ممنوعیت و وعده‌ی عذاب، حاکی از آن است که همین قرآن موجود را نباید تفسیر به رأی کنیم. و برای تفسیر همین قرآن باید به معصومین (علیهم‌السلام) مراجعه نماییم. و در باره‌ی آیات همین قرآن باید از آنان پرسیم.

● احکام قرآن:

احکامی که همه‌ی ما موظفیم در رابطه‌ی با قرآن، مراعات کنیم، مانند: حفظ طهارت آن، خودداری از مسّ کلمات آن با نداشتن طهارت،

احترام، و محافظت ویژه از قرآن، و ... همه و همه متوجه همین قرآن مکتوبی است که در دست ما می باشد.

● عرضه‌ی روایات به قرآن:

در باره‌ی یافتن درستی و نادرستی روایات مشکوک، ارشاداتی مبنی بر عرضه‌ی آنها به قرآن در بیانات معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده. بدیهی است که هر جا سخن از عرضه به میان آمده، عرضه‌ی روایات به همین قرآن مکتوبی است که در دست ماست.

● سرزنش ظاهریشان قرآن:

معصومین علیهم‌السلام کسانی که ظاهری از قرآن را می بینند و تنها به ظاهر آن عمل می کنند، سرزنش نموده اند. زیرا قرآن فراتر از ظاهری است که ما می خوانیم. و این مسأله، حاکی از آن است که همین قرآن مکتوب، فراتر از ظاهر خود باطنی هم دارد.

● محکم، متشابه، عام و خاص و...:

روایات فراوانی در باره‌ی محکم و متشابه و حکم تفسیر آنها سخن گفته اند. و این، حکایت از آن دارد که همین قرآن موجود، دارای ویژگی هایی اینچنین است.

و ...

علاوه بر آنچه گفته شد، به روایتی اشاره می کنیم، که ما را موظف به

خواندن همین قرآن می‌کند، تا زمانی که حضرت صاحب الامر، امام زمان ارواحنا فداء ظهور نموده و ما را موظف به خواندن قرآنی کنند که به دست مبارک مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است. این روایت، دلالت بر این حقیقت دارد که قرآن موجود در دست ما، همان قرآنی است که به خواندن و عمل به آن موظفیم:

«... سالم بن سلمه می‌گوید: مردی در حضور امام صادق علیه السلام قرآن می‌خواند و من می‌شنیدم. آن مرد حروفی از قرآن را به گونه‌ای می‌خواند که با قرائت سایر مردم متفاوت بود. امام صادق علیه السلام به او فرمود: از این قرائت خودداری کن و همانگونه که مردم می‌خوانند بخوان، تا زمانی که حضرت قائم قیام کند. آنگاه که قائم علیه السلام قیام کند، کتاب خدای عز و جل را طبق حدود خودش خواهد خواند. و مصحفی که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را نوشت، بیرون خواهد آورد.

امام صادق علیه السلام [در ادامه] فرمود: علی علیه السلام پس از آن که قرآن را نوشت، آن را به مردم ارائه کرد و فرمود: «این کتاب خدای عز و جل است آنگونه که خدا آن را بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرو فرستاده است. و من آن را از دو لوح، جمع کرده‌ام». مردم گفتند: نزد ما مصحفی جامع و کامل است که قرآن در آن [نوشته شده] است، و نیازی به مصحف شما نداریم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هان! بخدا سوگند، از این پس هرگز آن را نخواهید دید. همانا بر من لازم بود که وقتی آن را جمع‌آوری کردم، به شما خبر دهم تا آن را بخوانید»^۱.

همه‌ی موارد فوق، بر این حقیقت دلالت دارند که قرآن مکتوبی که در دست ماست، حجّتی است از حجّت‌های الهی و رحمتی است از رحمت‌های حضرت حق. و همه‌ی احکام تکلیفی که در رابطه‌ی با قرآن، به دوش ما گذاشته شده، متوجّه همین قرآن مکتوب است.

پس اگر در بخش‌های آینده‌ی این کتاب، در باره‌ی حقیقت قرآن، و ارتباط آن با عترت، و نحوه‌ی اجتماع و افتراق قرآن و عترت، سخنانی گفته می‌شود، که ابهام، و یا برای برخی از شما ابهام دارد، مباحثی عقلی و کلامی است که منافاتی با اهمیّت و حجّیّت قرآن مکتوب ندارد. و امیدوارم با فراست و دقّت نظر شما خواننده‌ی عزیز، حمل بر کم اهمیّت نمودن قرآن موجود در دست ما نشود.

← بن سلمة قال: قرأ رجل على أبي عبد الله عليه السلام وأنا أستمع حروفاً من القرآن ليس على ما يقرؤها الناس. فقال أبو عبد الله عليه السلام: كفّ عن هذه القراءة. إقرأ كما يقرأ الناس حتّى يقوم القائم؛ فإذا قام القائم عليه السلام قرأ كتاب الله عزّ وجلّ على حده، وأخرج المصحف الذى كتبه على عليه السلام. وقال: أخرجه على عليه السلام إلى الناس حين فرغ منه وكتبه. فقال لهم: هذا كتاب الله عزّ وجلّ كما أنزله الله على محمد ﷺ وقد جمعته من اللوحين. فقالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فيه القرآن لا حاجة لنا فيه. فقال: أما والله ما ترونه بعد يومكم هذا أبداً، إنّما كان عليّ أن أخبركم حين جمعته لتقرؤوه.»

پیشگفتار:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... أَنِّي تَارَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنِ تَمَسَّكُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي، أَهْلَ بَيْتِي. وَ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا»^۱.

«پیامبر خدا ﷺ فرمود: من دو چیز گرانسنگ را در میان شما باقی می‌گذارم. تا زمانی که به آن دو چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، خاندانم را. و هرآینه، آن دو، هرگز از یکدیگر جدا نمی‌گردند تا در [قیامت و در] کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس توجه کنید که چگونه پس از من، با آن دو رفتار می‌کنید».

این حدیث، یکی از فرمایشات پیامبر عظیم الشان اسلام است که به حدیث «ثقلین» معروف است. حدیثی که شیعه و غیر شیعه، آن را در

کتب خود نقل کرده‌اند. استحکام سند این حدیث به حدی است که جای سخن برای کسی باقی نگذاشته است. و دلالت آن بر امتیازات فراوان عترت پیامبر ﷺ نیز بیش از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد. اما با همه‌ی این روشنی، دانشمندان بزرگوار شیعه در کتب ارزشمند خویش توضیحات کافی را در باب سند و دلالت این حدیث فرموده‌اند، که این مختصر، گنجایش یادآوری آنها را ندارد.

یک نکته:

اگرچه دانشمندان علوم اسلامی، هر یک به میزان ارادت خود به خاندان وحی، پیرامون این حدیث، سخن گفته‌اند، اما هریک از آنان، با توجه به نوع و میزان گرایش خود، اهمیت آن را در یک یا چند بعد می‌بینند، که مهمترین آن، دلالت حدیث بر حجّیت قرآن و عترت، به‌طور موازی^۱، و دلالت آن بر امامت برگزیدگان، و حجّیت عترت پیامبر ﷺ است که البته، این دیدگاه، از ویژگی‌های شیعه می‌باشد.

اگرچه این مقدار برداشت و استفاده از حدیث ثقلین، اهمیت و ارزش خاص خود را داراست، اما آنچه در این میان مورد غفلت قرار گرفته، نکته‌ای فراتر از این برداشت است. نکته‌ای بسیار حائز اهمیت، که در شرح این حدیث، متأسفانه به آن پرداخته نشده و یا اندک و به‌طور خلاصه به آن اشاره شده است. و آن نکته‌ی مهم این است که:

۱. در اینکه قرآن و عترت، می‌توانند به‌طور موازی و در عرض هم برای مؤمنان حجّت باشند یا نه، در صفحات آتی سخن خواهیم گفت.

این حدیث، یک «آیین‌نامه‌ی الهی» و «قانون اساسی اسلام» است، که بدون رعایت این قانون، دین، محقق نمی‌شود، و عبادات انجام شده، مقبول درگاه خداوند نیست. اصل و قانونی است که تخلف از آن، ضلالت و گمراهی را در پی دارد و عمل به آن، باعث رستگاری در دنیا و آخرت است. و آیین‌نامه‌ای است که دنیا و آخرت، بهشت و دوزخ، نیک و بد، ایمان و کفر، و نیک‌بختی و بدبختی، در گرو تعهد به آن، و تخلف از آن بوده، و تکلیف صلح و جنگ، راه و بیراهه، کفر و ایمان، و دنیا و آخرت بشریت را روشن می‌کند. آیین‌نامه‌ای است که محور اتحاد و برادری است، و بدون پذیرش آن، اتحاد و برادری معنا پیدا نمی‌کند و هرگز تحقق نخواهد یافت. و اگر امت پیامبر به این «آیین‌نامه» متعهد و پایبند می‌بودند، جایی برای چند دستگی و گسستگی و اختلاف، باقی نمی‌ماند. و هرگز ظلم و بیدادگری، دنیای بشر را اینگونه به فلاکت و تباهی نمی‌کشاند. و اکنون نیز با همه‌ی اختلافاتی که در این روند به وجود آمده است، اگر همگان، به این آیین‌نامه‌ی الهی متعهد شوند، اوضاع مسلمانان، نسبت به آنچه درآیند، متفاوت خواهد شد. این «قانون اساسی»، آیین‌نامه و دستورالعملی است که به کلی، راه را بر کافران، جنایت‌پیشگان و منافقان می‌بندد و آنان را در گنداب کفر خود متوقف می‌کند. پس ساده‌انگاری این حدیث، و ساده‌نگری به آن، حاکی از ساده‌لوحی است.

منافقان و آنان که با اساس دین اسلام و پیامبر و عترتش دشمنی دیرینه داشتند، و همواره کمر همّت بر انزوا و کشتارشان بسته بودند،

به اهمیت این حدیث، به خوبی پی بردند. و هنگامی که نتوانستند اصل کلام حیاتبخش پیامبر را انکار کنند، به شیوه‌ی دیگری، برای تحقق سه هدف مهم که عبارت بود از:

الف: تغییر مصداق «کتاب» و «عترت»

ب: تغییر در مفهوم هر یک از «کتاب» و «عترت»

ج: جدا نمودن «قرآن» از «عترت»

با تمام توان، در دو جبهه، با این «آیین‌نامه‌ی الهی» به نبرد برخاستند:

جبهه‌ی اول: تحریف لفظی.

جبهه‌ی دوم: تحریف معنوی.

و با کمال تأسف، در هر دو جبهه هم پیش‌روی کرده و موفقیت‌های بسیاری را کسب کردند! و هر روز، موفق‌تر از روز پیش!

ما این نبرد خانمان برانداز را جنگ نرم می‌خوانیم و برآنیم تا در این کوتاه سخن، به دو نکته‌ی بسیار مهم اشاره‌ای داشته باشیم:

الف: نحوه‌ی یورش در هر دو جبهه‌ی تحریف لفظی و معنوی.

ب: یافتن مراد واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تحلیلی کوتاه، با برداشت صریح و روشن از حدیث ثقلین و بدون هیچ توجیهی.

امید است با یاری قرآن و عترت، از عهده‌ی این مهم برآییم.

پیکیده:

● حدیث ثقلین، یک «آیین‌نامه‌ی الهی» و «قانون اساسی اسلام»

است که تخلف از آن، گمراهی و ضلالت است. و عمل به

آن، رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت خواهد بود. و جنگ و صلح و راه و بیراه... همه و همه در گرو پذیرش یا ردّ این قانون اساسی است.

- این آیین‌نامه، محور اتحاد و برادری است.
- دشمن برای تحقق سه هدف شوم، بر این «آیین‌نامه‌ی الهی» یورش برد.

۱- تغییر مصداق «کتاب» و «عترت».

۲- تغییر مفهوم «کتاب» و «عترت».

۳- جداسازی «قرآن» از «عترت».

- برای تحقق سه هدف فوق، حملات، از دو جبهه آغاز شد:

۱- جبهه‌ی تحریف لفظی.

۲- جبهه‌ی تحریف معنوی.

حمزه‌ی عندلیب

پاییز ۸۸